

سیر تحول دانشگاه‌ها و دانشگاه تراز انقلاب از منظر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

رضا قیامت^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

اولین سرفصل توصیه‌های مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران که در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی صادر شده، علم و پژوهش است. در عرصه علم و پژوهش، دانشگاه‌ها نقشی اساسی در توسعه جامعه ایفا می‌کنند که در پرتو تحولات جدید ملی، منطقه‌ای و جهانی، نظام تولید دانش و الگوهای آموزشی و پژوهشی آنها نیاز به سازگاری با تغییرات و دگرگونی‌ها دارند. در این مقاله، ضمن تبیین مراحل تغییر و تحول دانشگاه‌های مدرن از پیدایش تا عصر حاضر و ارزیابی وضعیت کنونی دانشگاه‌های کشور و افق پیش روی نظام آموزش عالی در سند چشم‌انداز بیست ساله و بیانیه گام دوم انقلاب، راهکارها و پیشنهادهایی نیز برای نیل به دانشگاه تراز انقلاب اسلامی ارائه شده است.

واژگان کلیدی

سیر تحول دانشگاه‌ها، دانشگاه تراز انقلاب، بیانیه گام دوم انقلاب.



مقدمه

انقلاب اسلامی در حالی چهلمین سالگرد پیروزی خود را پشت سر گذاشت و قدم به دهه پنجم حیات خود نهاد که دشمنان مستکبرش گمان‌های باطلی در سر داشتند، اما دوستانش در سراسر جهان، امیدوارانه آن را در گذر از چالش‌ها و به دست آوردن پیشرفت‌های خیره‌کننده، همواره سربلند دیده‌اند. در چنین نقطه‌عطفی، رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور «بیانیه گام دوم انقلاب» و برای ادامه این راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه گذشته پرداخته و توصیه‌هایی اساسی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» ارائه فرموده‌اند. بیانیه گام دوم انقلاب مفاهیمی بلند برگرفته از اسلام نه تنها خطاب به ملت ایران که به تمام آزادی‌خواهان جهان است، که می‌توان در سایه آنها به تمدن اسلامی رسید. این بیانیه ساختاری کارشناسی شده دارد که براساس آن، باید مسائل مدیریتی کشور به جوانانی واگذار شود که بیشتر در دانشگاه‌های داخل تحصیل کرده‌اند. همان‌گونه که مشهود است، جوانان اساسی‌ترین نقش را در تحقق گام دوم انقلاب برعهده خواهند داشت که این نشان‌دهنده نقش و مسئولیت خطیر دانشگاه‌ها در پرورش دانایان توانمند است. در حال حاضر، متأسفانه فارغ‌التحصیلانی که وارد جامعه می‌شوند، توانمندی علمی و مهارتی لازم [و کافی] را ندارند و لازم است در دانشگاه‌ها اهتمام جدی صورت گیرد تا خروجی‌ها مطلوب‌تر شوند. مطابق آمار رسمی، اکنون ۴۰ درصد از بیکاران جامعه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی هستند. لذا دانشجویان و فارغ‌التحصیلان باید تحت پوشش توانمندسازی نظری و عملی با هدف حضور مؤثر در جامعه قرار گیرند.

با عنایت به نقش دانشگاه‌ها در تربیت نیروی جوان تراز انقلاب اسلامی، لازم است ضمن بررسی جریان تکاملی نقش دانشگاه‌ها در جوامع مختلف و هویت و کارکرد آنها، وضعیت کنونی دانشگاه‌های کشور نیز مورد ارزیابی قرار گیرد و راهکارهایی عملی برای نیل به اهداف متعالی مورد نظر مقام معظم رهبری در مورد دانشگاه‌ها پیشنهاد شود.

با توجه به روند تحولات ملی، منطقه‌ای و جهانی و گذار از جامعه صنعتی به جامعه دانش‌بنیان، اتخاذ راهبردهای اثربخش برای استفاده از ارزش‌ها و فرصت‌های نوین در دانشگاه‌ها ضروری است. الگوهای علم و پژوهش در آموزش عالی نیازمند تحول است و باید مهارت‌ها و توانایی‌های جامعه دانشگاهی اعم از استادان، کارکنان، دانشجویان و دانش‌آموختگان در راستای نوآوری و کارآفرینی بهبود یابد.



فرایند دگرگونی دانشگاه‌های مدرن از پیدایش تاکنون

دانشگاه‌های مدرن دنیا در طول دهه‌های گذشته، دوره‌های مختلفی را پشت سر گذاشته‌اند. تا نیمه قرن بیستم میلادی دانشگاه‌های مدرن مسئولیت نخبه‌پروری را برعهده داشتند. از دهه ۵۰ میلادی دانشگاه‌ها با تقاضای انبوه اجتماعی مواجه شدند. در دهه ۶۰ میلادی جنبش‌های اجتماعی رسالت دانشگاه‌ها را دگرگون کرد. از دهه ۷۰ میلادی دانشگاه‌ها با مقتضیات بازار، صنعت و دنیای کسب و کار مواجه شدند و سرانجام از ابتدای دهه ۹۰ میلادی تحولات فراصنعتی و جامعه اطلاعاتی باعث دگرگونی دانشگاه‌ها شدند (فراست‌خواه، ۱۳۸۳ و احمدی دستجردی، ۱۳۸۳). با توجه به این دگرگونی‌ها نسل‌های مختلف دانشگاهی در طول ادوار مختلف در جوامع مدرن به شرح زیر پدیدار شدند:

- دانشگاه نسل اول: دانشگاه آموزش محور

دانشگاه نسل اول که برآمده از اصلاحات ناپلئون بناپارت در آموزش عالی فرانسه بود، نهادی دولتی، متمرکز و آموزش‌محور با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص برای برنامه‌های دیوان‌سالاری دولتی بود. در این دانشگاه‌ها، رسالت اصلی، ارائه آموزش و صدور مدرک تحصیلی بود. در واقع، نوعی نخبه‌گرایی وجود داشت و معمولاً طبقات خاصی وارد دانشگاه می‌شدند و آموزش عالی یک امتیاز تلقی می‌شد تا یک حق عمومی (ذاکر صالحی، ۱۳۹۴). در دانشگاه نسل اول، مسئولیت اصلی بر آموزش متمرکز بود و کمترین میزان سازگاری را با نیازهای علمی، اجتماعی و فرهنگی محیط داشت (یمینی، ۱۳۸۸).

- نسل دوم: دانشگاه پژوهش محور

دانشگاه‌های نسل دوم برآمده از فلسفه هومبولتی و دانشگاه آلمانی است که هویت و عملکرد آن با توسعه مرزهای دانش تعریف می‌شود (ذاکر صالحی، ۱۳۹۴). در این دانشگاه، علاوه بر مأموریت‌های آموزشی دانشگاه‌های نسل اول، رویکرد پژوهش‌های کاربردی در حل مشکلات جامعه جزو وظایف اصلی تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، دانشگاه فقط مکانی برای تولید دانش نیست و همراه با سایر نقش‌آفرینان و سازمان‌ها با به‌کارگیری ترکیب‌بندی‌ها و روابط جدید دانش علمی تولید می‌شود که به الگوی دوم تولید علم معروف است (الیویرا، ۲۰۰۰).



در دانشگاه‌های نسل دوم به دلیل استفاده از الگوی بازیابی تولید اقتصادی، کانون پژوهش از دانشگاه‌ها خارج شده، به سمت اماکن غیردانشگاهی همچون آزمایشگاه‌های صنعتی، مراکز پژوهشی و گروه‌های فکری و مشاوره‌ای انتقال می‌یابد و بر مبنای تقاضا تولید علم صورت می‌گیرد (گیبونز، ۱۹۹۴).

- نسل سوم: دانشگاه کارآفرین

نسل سوم دانشگاه‌ها که در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته‌اند، دانشگاه‌های کارآفرین هستند. دانشگاه کارآفرین یک نظام اجتماعی است که در آن واحدهای سازمانی درونی از جمله گروه‌های آموزشی، مراکز تحقیقاتی، استادان و دانشکده‌ها تلاش می‌کنند که پاسخگوی نیازهای واقعی بازار و جامعه باشند و علاوه بر نوآوری، همواره دگرگونی‌های اساسی در عملکرد خود ایجاد کنند (بلنکر و همکاران، ۲۰۰۴).

تراچنبرگ (۱۹۹۹) معتقد است دانشگاهی کارآفرین است که:

۱. محلی برای کسب درآمد بوده، به استقلال مالی بپردازد؛
 ۲. به دانشجویان خود به دید مشتری بنگرد؛
 ۳. استادان و کارکنان با هم ارتباط برقرار کنند؛
 ۴. در تماس با محیط‌ها، نهادها و مؤسسه‌های دیگر در آموزش تجاری‌سازی باشد؛
 ۵. برخلاف شکایت‌ها در مورد افت وضعیت ظاهری، واقعاً در حال پیشرفت و بهبود باشد.
- کلارک (۱۹۹۸) یکی از صاحب‌نظران مهم و از نخستین افرادی است که دانشگاه کارآفرین را در اروپا مطرح کرد. او معتقد است که در قرن ۲۱، دانشگاهی پویاست، که علاوه بر کارآفرینی، قادر به تلفیق ارزش‌های تخصصی و مدیریتی باشد.
- همکاری دانشگاه و صنعت از مصادیق تفاهم‌نامه‌هایی است که در خصوص فعالیت‌های علمی و پژوهشی و شرکت‌های تجاری با دانشگاه‌های کارآفرین صورت می‌گیرد. این همکاری معمولاً با هدف دستیابی به توان علمی دانشگاه و تجربه‌های صنعت و نیز استفاده از آنها صورت می‌پذیرد.

سیجه (۲۰۰۲) دانشگاه کارآفرین را محیطی برای کاربرد دانش و تحریک رفتار کارآفرینانه در میان تمام اعضا و ساختارهای مجموعه علمی و دانشگاهی می‌داند (مهدی، ۱۳۹۴).



کربای (۲۰۰۳) بر این باور است که دانشگاه‌های کارآفرین در مرکز فرهنگ کارآفرینی قرار دارند و در نوآوری، شناخت و ایجاد فرصت‌ها، کار کردن در گروه‌های مختلف، خطرپذیری و پاسخگویی به چالش‌ها از توانمندی ویژه‌ای برخوردارند.

از نظر اودریش و مولر (۲۰۰۶) دانشگاه کارآفرین یک نیروی مرکزی برای نوآوری، خلاقیت و رشد اقتصادی است که هسته آن، ارتباط برج عاج (دانشگاه سنتی) و جهان واقعیت (نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه) است.

مطابق با نظر قاطع پژوهشگران، دانشگاه نسل سوم باید مستقل بوده، شبه‌شرکتی باشد؛ این ویژگی در بعد مدیریت دانشگاه، شاید یکی از اولین الزاماتی است که در مسیر تبدیل شدن به دانشگاه نسل سوم باید مدنظر قرار گیرد، و اولین قابلیت شناسایی شده است. دانشگاهی که مدیریت در آن به صورت سنتی انجام می‌پذیرد و فاقد استقلال کافی برای تصمیم‌گیری‌هایش است، قادر نخواهد بود به تمام کارکردهای دانشگاه نسل سوم دست یابد و همچنین در همراهم‌سازی سایر عناصر دانشگاه برای دستیابی به دانشگاه نسل سوم با مشکلات زیادی همراه خواهد بود. قابلیت دیگری که دانشگاه نسل سوم باید از آن برخوردار باشد، حضور مدیرانی نوآور و کارآفرین است که حل مسائل و مشکلات جامعه را از اولویت‌های خود بدانند. چنین مدیرانی قادر خواهند بود که افراد تحت مدیریت خود را به شکلی مناسب به سمت دانشگاه نسل سوم هدایت کنند (نعمت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۸).

نامنی (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان می‌دهد که تحول دانشگاه نسل دوم به نسل سوم مستلزم طی کردن یک دوره گذار حدوداً ده ساله است. تهیه و تأمین زیرساخت‌های لازم، اعم از: زیرساخت‌های نرم از قبیل طراحی فرایندها، تدوین دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها، زیرساخت‌های سخت همچون تأمین فضاها، فیزیکی لازم به همراه فرهنگ‌سازی در بین اعضای هیأت علمی، کارکنان و دانشجویان از مهم‌ترین وظایف مدیریت در دوره گذار به شمار می‌رود.

- نسل چهارم: دانشگاه کنشگر

دانشگاه‌های نسل چهارم علاوه بر وظایف دانشگاه‌های سه نسل گذشته، مأموریت شکل‌دهی به آینده جامعه محلی خود را نیز برعهده دارند. نوآوری و پژوهش مسئولانه مهم‌ترین نقش

دانشگاه‌های نسل چهارم است. به عبارت دیگر، این دانشگاه‌ها نقش پیش‌گستر و کنشگر (فعال) را در دگرگونی ساختار جامعه به عهده دارند. دانشگاه نسل چهارم باید ضمن بررسی روند جاری و پیش روی جهانی و تشخیص نقاط قوت و ضعف جامعه، مسیر برنامه‌های کلان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه مورد نظر خود را به سمت و سویی هدایت کند که جامعه بتواند جایگاه مناسب خود را در منطقه و نظام بین‌الملل به دست آورد (غفرانی، ۱۳۹۴).

بنابراین، دانشگاه موفق نسل چهارم دانشگاهی است که تأثیر معناداری در توسعه اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ای داشته باشد. برخلاف دانشگاه‌های کارآفرین که مسئول حل مشکلات جاری با ایجاد کارآفرینی هستند، در دانشگاه کنشگر، قدرت خلاقیت برای حل مسائل منطقه‌ای، جهانی و حتی حل مسئله در منطقه‌ای دیگر به کار گرفته می‌شود (نصراللهی‌نیا و رشیدحاجی خواجه لو، ۱۳۹۵). البته در دانشگاه‌های نسل چهارم توجه به شرایط بوم‌شناختی هر مسئله از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا ارائه نسخه‌های کلی و عمومی به دلیل پیچیدگی مسائل امکان‌پذیر نیست.

تاریخچه دانشگاه در ایران و نقش دانشگاه در پیروزی انقلاب اسلامی

امیرکبیر با اعزام برخی از ایرانیان به خارج از کشور و ممالک فرنگ به دنبال اخذ دانش و انتقال آن به ایران بود و نهاد دارالفنون به همین منظور تأسیس شد. ارسال دانشجویان به خارج از کشور، نهایت تفکر ترقی و علم‌گرایی در ایران بود و در طول دوران قاجار ادامه داشت تا اینکه رضاشاه اقدام به تأسیس دانشگاه کرد. اعزام ایرانیان به خارج به منظور تحصیل، از سال ۱۱۹۰ شمسی توسط عباس میرزا آغاز شد و نخست دو ایرانی برای یادگیری نقاشی و پزشکی به انگلستان رفتند. هزار ایرانی در کل دوران قاجار برای تحصیل به ممالک غربی رفتند و زمینه را برای تأسیس دانشگاه تهران فراهم کردند. الگوی تأسیس دانشگاه در ایران، غربی بود. این دانشگاه براساس الگوی فرانسوی تأسیس شد، حتی طراحان ساختمان دانشگاه تهران فرانسوی بودند. پس از تأسیس دانشگاه با سیطره نظام پهلوی بر آن، گفتمان غربی، گفتمان غالب دانشگاهی شد. در کنار این دو گفتمان، حضور گفتمان شرقی و اسلامی به عنوان گفتمان‌های رقیب قابل توجه است. با توجه به حاکمیت پارادایم پوزیتیویستی، بخش عمده‌ای از دانشگاهیان ایران به امکان تغییر جهان و تاریخ معتقد بودند (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷).



از دوران پهلوی دوم دانشگاه آرام‌آرام وارد تحولات اجتماعی و سیاسی شد. در این میان، می‌توان به تأسیس انجمن‌های اسلامی توسط مهدی بازرگان اشاره کرد. این جریان که به روحانیونی چون آیت‌الله طالقانی، شهید مطهری و امام خمینی (ره) نزدیکی داشت، در جدایی از جبهه ملی رنگ دینی خود را به رخ می‌کشاند. این تشکیلات در حالی وجود داشت که گروه‌های غیردینی برای خود نشریات و تشکل‌های غیررسمی داشتند.

به تدریج نهاد دانشگاه در ایران به نهاد مبارزه بدل شد. در این معنا، رهبران سیاسی جریان‌ها از دانشگاه برخاستند؛ البته این جریان با نهاد حوزه و بازار نیز ارتباطاتی برقرار کرد.

علاوه بر پایه دانشجویی، استادان انقلابی نیز به تقویت و طرح مبانی اندیشه اسلامی در دانشگاه‌ها پرداختند. شهید مفتاح و شهید مطهری از دیگر استادان برجسته انقلاب بودند.

مقام معظم رهبری نقش دانشگاه در پیروزی انقلاب را چنین ارزیابی می‌کند: «دانشگاه به طور طبیعی جایی است که مبارزات در آن معمولاً پا می‌گیرد، معمولاً به وجود می‌آید؛ در همه‌جای دنیا همین جور است؛ علتش هم معلوم است؛ چون در دانشگاه یک مجموعه جوان هستند، با مسائل روز آشنایند، طبعاً محیط روشن‌فکری است، محیط آگاهی از مسائل جهانی و با اوضاع حال حاضر و اوضاع جاری است؛ معترض می‌شوند و اعتراض می‌کنند. همه‌جای دنیا مبارزات دانشگاهی وجود دارد و در کشور ما هم وجود داشت؛ مال این دوران مبارزات اسلامی هم نیست، قبل از آن هم وجود داشت؛ قبل از آن در دوره نهضت ملی هم بوده و این مبارزات دانشجویی وجود داشته است.»

دانشجویان پیرو خط امام، انقلاب فرهنگی را رقم زدند و به ساختن دانشگاه اسلامی در ایران جدید اقدام ورزیدند. چندی پس از پیروزی انقلاب، امام خمینی (ره) در پیام نوروزی سال ۱۳۵۹ فرمودند: باید انقلاب اسلامی در تمام دانشگاه‌های سراسر ایران به وجود آید.

آرمان دانشگاه از دیدگاه امام خمینی (ره): «دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است. از دانشگاه باید سرنوشت یک ملک تعیین شود. دانشگاه خوب یک ملت را سعادتمند می‌کند و دانشگاه غیر اسلامی، دانشگاه بد، یک ملت را به عقب می‌زند.»

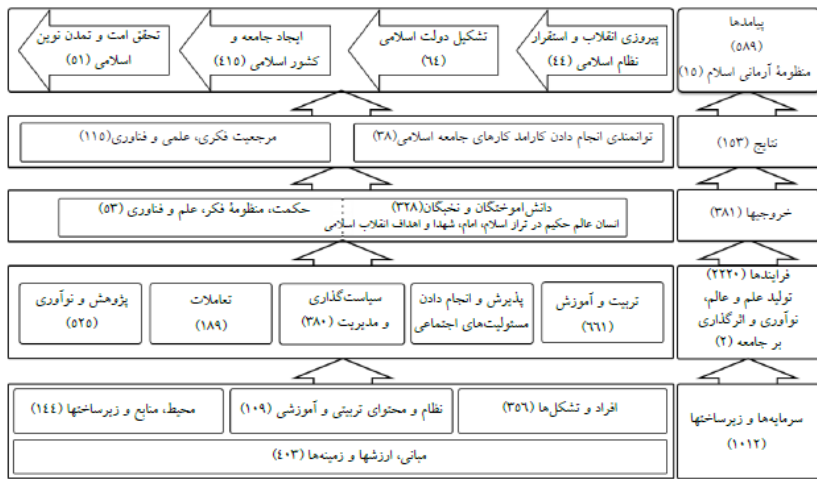
انقلاب اسلامی با انقلاب فرهنگی که دو سال و نیم طول کشید، تکمیل شد؛ و نهاد ستاد انقلاب فرهنگی که بعدها به شورای عالی انقلاب فرهنگی تغییر نام داد، از دل آن به وجود آمد. دانشگاه تراز انقلاب اسلامی محصول تاریخ معاصر ایران است.

ویژگی‌های دانشگاه تراز انقلاب اسلامی

دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، براساس تصویری که امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب ترسیم کرده‌اند، علاوه بر آنکه باید کشور را پیش ببرد، راهکاری برای انسان‌سازی و تداوم انقلاب اسلامی نیز هست.

پژوهش‌های متعددی درباره ابعاد مختلف دانشگاه از منظر امام خمینی (ره) یا آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) انجام شده است. یکی از پژوهش‌های جامع در این زمینه توسط نجاران طوسی و همکاران (۱۳۹۶) با عنوان الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی است. در مطالعه فوق‌بیانات، پیام‌ها و تدابیر امام خمینی (ره) از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۸ و آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) از خرداد ۱۳۴۰ تا خرداد ۱۳۹۶ بررسی شده است و با استفاده از روش کیفی تحلیل مضمون الگویی جامع شامل ۴۳۳۵ مضمون اولیه مورد شناسایی قرار گرفته که در قالب ۳۲۸ مضمون شاخص ترکیب شده است. این مضمون‌ها پس از دسته‌بندی در سطوح مختلف در نهایت، در ۱۷ مضمون فراگیر در پنج بُعد، پیامدها، سرمایه‌ها، زیرساخت‌ها و فرایندها، خروجی‌ها و نتایج ساماندهی شده و الگوی نهایی به دست آمده است. یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد الگوی پژوهش فوق این است که علاوه بر جامعیت اندیشه‌های رهبران معظم انقلاب اسلامی، به علت تناسب با الگوهای برنامه‌ریزی، مدیریت و ارزیابی راهبردی، امکان اجرا و رصد پیشرفت آن نیز وجود دارد. در پژوهش فوق، الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی مطابق شکل ۱ به دست آمده است که در آن، اعداد داخل پرانتز تعداد تکرار مضمون‌ها در تدابیر و رهنمودهاست.





شکل ۱- الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی از دید رهبران معظم انقلاب اسلامی (نجاران طوسی و همکاران، ۱۳۹۶)

رسیدن به الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، مستلزم تحقق نتایجی است که در دو مفهوم خلاصه می‌شود:

۱. توانمندی اجرای کارآمد کارهای جامعه اسلامی؛
۲. مرجعیت فکری، علمی و فناوری.

فعالیت‌های دانشگاه باید به کسب نتایج و دستاوردهایی در زمینه اندیشه و دانش منجر شود و کسب مرجعیت فکری، علمی و فناوری را به دنبال داشته باشد. مقام معظم رهبری مرجعیت یافتن دانشگاه‌ها و دانشمندان ایران را کاملاً امکان‌پذیر می‌داند و به جوانان نوید دیدن چنین روزی را می‌دهند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷). لازمه حرکت در این مسیر، پیشرفت پرشتاب و سرآمدی در علم و فناوری همراه با معنویت، عدالت، صلح و اخلاق است. ۱۵۳ قطعه بیانات رهبران انقلاب اسلامی که به نتایج دانشگاه تراز انقلاب اسلامی اشاره کرده‌اند، در جدول ۱ دسته‌بندی شده است.

جدول ۱- نتایج الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی (نجاران طوسی و همکاران، ۱۳۹۶)

نتایج (۱۵۳)	
توانمندی اجرای کارآمد کارهای جامعه اسلامی (۳۸)	مرجعیت فکری، علمی و فناوری (۱۱۵)
۱- کارآمدی و مفید بودن برای کشور، انقلاب و اسلام (۲۵)	۱- پیشرفت پرشتاب و سرآمدی علمی با معنویت، عدالت، صلح و اخلاق (۶۱)
۲- توانمندی در اداره جامعه با الگوی اسلامی بومی غیرغربی (۱۳)	۲- مرجعیت و نقش آفرینی در تعیین مرزهای علم و فناوری (۲۰)
	۳- خودکفایی علمی و شکستن انحصار علم و فناوری غرب (۱۰)
	۴- مرجعیت زبان فارسی به عنوان زبان علم (۱۰)
	۵- صعود رتبه و سرعت زیاد رشد علمی (۸)
	۶- گسترش آموزش عالی و تقویت توان علمی کشور (۵)
	۷- پیشرفت اندیشه سیاسی و روشن بینی دینی (۱)

پیامد اصلی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، تحقق اهداف و آرمان‌های این انقلاب است که در مراحل مختلف شامل پیروزی انقلاب و استقرار نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی، ایجاد جامعه و کشور اسلامی و تحقق امت و تمدن نوین اسلامی انجام می‌پذیرد. نتایج دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، شامل دو مؤلفه عمده توانمندی اجرای کارآمد کارهای جامعه اسلامی، و مرجعیت فکری، علمی و فناوری است.

خروجی‌های دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، نیز شامل دو مؤلفه عمده دانش‌آموختگان و نخبگان، فکر، علم و فناوری است. دانش‌آموختگان و نخبگانی که حائز شایستگی‌های اعتقادی، اخلاقی، رفتاری، تخصصی و حرفه‌ای با معیارهای معین هستند.

دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، دارای سه فرایند اصلی و دو فرایند پشتیبانی و مدیریتی است. فرایندهای اصلی تربیت و آموزش، پژوهش و نوآوری و پذیرش و اجرای مسئولیت‌های اجتماعی است. دو فرایند سیاست‌گذاری و مدیریت و تعاملات نیز فرایندهای اصلی را پشتیبانی می‌کنند (نجاران طوسی و همکاران، ۱۳۹۶).

برخی از ارزش‌های دانشگاه در تراز انقلاب اسلامی را می‌توان همان اشتراکات این آرمان با دانشگاه به صورت کلی دانست، اما برخی از ویژگی‌ها در این آرمان، خاص دانشگاه در تراز اسلامی است. براساس یک تحقیق درباره جایگاه دانشگاه و دانشگاهیان در نگاه امام خمینی (ره) دانشگاه از نظر ایشان سه وظیفه دارد: انسان‌سازی، قطع وابستگی و استقلال

کشور و حفظ و تداوم انقلاب اسلامی. چنان که اشاره شد امام خمینی (ره) جایگاه بالایی برای دانشگاه قائل بود و معتقد بود که دانشگاه می‌تواند انسان‌ساز باشد. شکل‌های اسلامی دیگری در دانشگاه نظیر کانون‌های عترت و قرآن، بسیج دانشجویی و انجمن اسلامی دانشجویان سامان جدیدی یافتند و در کنار این مجموعه، نهادهایی مانند: نهاد نمایندگی ولی‌فقیه در دانشگاه به نظارت بر عملکرد دانشگاه براساس موازین جمهوری اسلامی مأمور شدند.

دانشگاه تراز انقلاب تأثیرات مهمی در تاریخ ایران داشته است. پس از انقلاب نیز مهم‌ترین شخصیت‌های نظام سیاسی از دل شکل‌های دانشجویی وارد نظام سیاسی شدند. گام بلندتر دانشگاه در تراز انقلاب اسلامی را باید در ایده اسلامی‌سازی علوم دید (حاجی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷).

این ایده بر آن است که مبانی علوم را براساس اسلام بنیان نهد. نظریات مختلفی در این زمینه وجود دارد که برای نمونه می‌توان به ایده «قرآن، بنیاد علوم» اشاره کرد. اندیشمندانی نظیر آیت‌الله رشاد، حجت‌الاسلام آکوچکیان، گلشنی و رحیم‌پور ازغدی و کوچکیان از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان این خوانش هستند.

دانشگاه نقطه اساسی هر جامعه و کشوری است. اگر دانشگاه اصلاح بشود، آینده آن جامعه اصلاح خواهد شد. اگر دانشگاه فاسد بشود، سرنوشت آن جامعه فساد است. این فسادی که در دانشگاه فرض می‌کنیم، ممکن است فساد اخلاقی باشد، یا فساد علمی. فساد علمی معنایش این است که در دانشگاه، نه معلم برای درس دادن و یاد دادن دلسوزی کند، نه متعلم و دانشجو برای یادگرفتن دلسوزی کند. نتیجه، بی‌سواد بار آمدن، بدفهمیدن و عدم رشد استعدادهاست. فساد اخلاقی معنایش این است آن که درس می‌خواند یا نمی‌خواند، از لحاظ اخلاقی، شرافت و شرف و غیرت و انگیزه و ایمان لازم را در خود پرورش ندهد. این هم نتیجه‌اش با شق اول یکی است؛ شاید هم گاهی بدتر (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰).

دانشگاه وابسته به غرب، دانشگاه متکی به اراده و فرهنگ دیگران نمی‌تواند برای یک فرهنگ مفید باشد. هزاران دکتری که آمدند، بچه‌هایی را نجات دادند، مریض‌هایی را شفا دادند؛ هزاران مهندسی که ده‌ها هزار ساختمان ساختند، اینها را می‌دانیم. مسئله و مشکل یک ملت، اینها که نیست. دانشگاه وابسته به غرب، دانشگاه متکی به اراده و فرهنگ دیگران، نمی‌تواند



برای یک فرهنگ مفید باشد. این، دو عنصر اصلی است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹). رهبر معظم انقلاب در دیدار با استادان دانشگاه با اشاره به خطر سیاست زدگی دانشگاه‌ها برای پیشبرد علمی اهداف این نهاد می‌فرمایند: «من خواهش می‌کنم از مدیران دانشگاه‌ها و مسئولان گوناگون مدیریتی که دانشگاه را مرکز جولان سیاسی و تلاش‌ها و فعالیت‌های جناح‌های سیاسی قرار ندهید. سم مهلک حرکت علمی این است که دانشگاه‌ها تبدیل بشوند به باشگاه‌های سیاسی.»

با نگاهی به بیانات متعدد رهبر فرزانه انقلاب در سال‌های اخیر و در جمع دانشگاهیان می‌توان شاخصه‌های دانشگاه تراز انقلاب اسلامی را نشاط علمی، نشاط معنوی و نشاط سیاسی دانست. رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

«عرصه در دانشگاه‌ها عرصه نشاط علمی است. من به شما عرض بکنم؛ امروز یکی از نیازهای اساسی و درجه یک کشور، نیاز علمی است. چنانچه ما توانستیم در عرصه علمی، پیشرفت‌هایی را که تا امروز بحمدالله به دست آمده است، با همین سرعت دنبال کنیم، هم در زمینه مشکلات اقتصادی، هم در زمینه مشکلات سیاسی، هم در زمینه مشکلات اجتماعی، هم در زمینه مسائل بین‌المللی، مطمئناً گره‌گشائی‌های بزرگی خواهد شد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳).

نشاط معنوی در دانشگاه‌ها در حقیقت، وجه ممیز دانشگاه تراز انقلاب اسلامی با سایر محیط‌های علمی و دانشگاهی سکولار و غیرمذهبی است. معنویت در حقیقت، به رویکرد علمی دانشگاه نیز جهت می‌دهد و آن را با اهداف عالی نظام هم‌راستا می‌سازد.

«دانشگاه باید یک محیط دینی باشد. در دانشگاه باید متدینین احساس کنند که فضای عمومی آنجا به آنها کمک می‌کند. البته تدین، دین، معنویت و اخلاق، و از جمله شعب این معنویت، همین احساسات انقلابی است. امروز کسی نمی‌تواند بگوید من متدین هستم، اما در تضاد با انقلابی باشد که براساس دین است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲).

ضلع سوم مورد نیاز برای تحرک دانشگاه، وجود نشاط سیاسی در این محیط علمی است. ایجاد فضای نشاط سیاسی در دانشگاه دو نتیجه مهم در بردارد: اول آنکه سبب افزایش تحلیل سیاسی و بصیرت‌بخشی عمومی در قشر دانشگاهیان می‌شود و زمینه را برای تولید گفتمان سیاسی از درون دانشگاه برای جامعه فراهم می‌آورد. رهبر معظم انقلاب در مورد افزایش



تحلیل سیاسی در دانشگاه می‌فرمایند: «یک نکته اساسی مطرح می‌شود که من همیشه در مواجهه با دانشجویان، روی آن تکیه می‌کنم و آن، پیدا کردن قدرت تحلیل مسائل و جریان‌های مهم کشور است. سیاست در دانشگاه‌ها که بنده همیشه روی آن تأکید کرده‌ام، به این معناست. ما دو کار سیاسی داریم: سیاست‌زدگی و سیاست‌بازی؛ این یک‌جور کار است. این را من به هیچ‌وجه تأیید نمی‌کنم؛ نه در دانشگاه و نه در بیرون دانشگاه؛ به خصوص در دانشگاه. یکی هم سیاست‌گری است؛ یعنی حقیقتاً فهم و قدرت تحلیل سیاسی پیدا کردن؛ که یکی از وظایف تشکل‌های دانشجویی این است. من تأکید می‌کنم، تشکل‌های دانشجویی که عمده نمایندگان آنها، در اینجا تشریف دارید؛ نوع برنامه‌ریزی و کار را به کیفیتی قرار دهید که دانشجویان قدرت تحلیل سیاسی پیدا کند؛ هر حرفی را به آسانی نپذیرد و هر احتمالی را به آسانی در ذهن خودش راه ندهد یا رد نکند؛ این قدرت تحلیل سیاسی، خیلی مهم است. ما غالباً چوب این را خورده‌ایم؛ نه ما، بلکه ملت‌های دیگر هم بر اثر خطاها و خبط‌هایی در فهم سیاسی‌شان، گاهی مشکلات بزرگی را از سر گذرانده‌اند. این، یک مسئله مهم است.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲).

نتیجه دوم فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه‌ها که مورد تأکید رهبری نیز هست، تربیت کادر نخبه سیاسی برای آینده کشور است. ایشان در دیدار با فعالان تشکل‌های دانشجویی به همین نکته اشاره می‌فرمایند: «بخشی از نخبه‌پروری هم مربوط به شماسست؛ یعنی در محیط تشکل‌های دانشجویی، نخبه‌های سیاسی پرورش پیدا کنند؛ فضا را آماده کنید. از فکر، از ذهن استفاده کنید، ببینید چگونه می‌توانید محیط بحث و استدلال و ارزیابی فکری، تقویت روحیه و تقویت امید و محکم کردن پایه‌های فکر سیاسی را در این طبقه جدیدی که بعد از شما می‌آیند، برنامه‌ریزی کنید.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵).

مطابق نظر رهبر معظم انقلاب، فعالیت سیاسی از سوی مسئولان و مدیران به منزله سم مهلک برای دانشگاه است. دلیل این امر آن است که اساساً مدیران دانشگاهی به دلیل جایگاهی که در آن قرار دارند نمی‌توانند مستقل و بی‌طرف عمل کنند و بالاچار در صورت ورود به چنین آوردگاهی، تابع و مقهور فضای سیاسی دولت و جریان حاکم بر آن خواهند بود. لذا در بهترین حالت، وظیفه مدیران دانشگاهی، عدم ورود به میدان فعالیت‌های سیاسی و از طرفی، حمایت از دانشجویان و مجموعه‌های دانشجویی به منظور فعالیت‌های بصیرت‌بخشی سیاسی در دانشگاه است.

مهم‌ترین تهدید برای محیط دانشگاه‌ها و فعالیت سیاسی در دانشگاه حضور و ظهور احزاب و جریان‌های سیاسی و سواری گرفتن از جنبش دانشجویی برای اجرای مقاصد قدرت طلبانه خویش است. فعال شدن گروه‌های سیاسی در دانشگاه‌ها یادآور خاطرات تلخی است که ابتدای انقلاب در دانشگاه‌ها رخ داد و دانشگاه‌های کشور را عملاً به سنگری برای جنگ احزاب و خشونت طلبی فرقه‌های گوناگون از چپ مارکسیست گرفته تا ملی‌گرای لیبرال تبدیل کرده بود. مشابه این اتفاق در حضور پررنگ جریان‌های سیاسی در دانشگاه‌ها در غائله ۱۸ تیر سال ۷۸ و سعی در به اغتشاش کشانیدن فضای دانشگاه با یارکشی از دانشجویان صورت گرفت. رهبر معظم انقلاب حضور احزاب و گروه‌های سیاسی در دانشگاه‌ها را به اختاپوسی خطرناک تعبیر می‌کنند و می‌فرمایند:

«یکی دیگر از آفات، به دام احزاب و گروه‌ها افتادن است؛ که این را قبلاً هم گفتم. مواظب باشید، اختاپوس خطرناک احزاب و گروه‌های مختلف به سراغتان نیاید و شما را به دام نیندازد. از آن مجموعه آزاداندیش، اغلب خصوصیات مثبت را خواهند گرفت؛ که اگر این شد، آن وقت انسان در خدمت دشمنان انقلاب قرار می‌گیرد و چیز خطرناکی می‌شود.» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶).

تنها گروهی که شایسته است منادی بصیرت سیاسی در دانشگاه‌ها باشند و آن را از رکود و خمودگی به نشاط سیاسی هدایت کنند، مجموعه‌های دانشجویی هستند، زیرا جنس فعالیت‌های دانشجویی سیاسی از جنس ارائه مباحث سیاسی به دور از سیاست‌زدگی و در شأن فضای علمی دانشگاه است.

وضعیت و ساختار کنونی دانشگاه‌های کشور

در کشور ما تعدد و تنوع نظام آموزش عالی بسیار مشهود است. وجود ساختارهای بعضاً متفاوت دانشگاهی از ویژگی‌های انکارناپذیر نظام آموزش عالی فعلی در کشور است. در کنار نظام آموزش عالی دولتی، وجود دانشگاه‌های غیردولتی با ساختارهای سازمانی و حتی شیوه‌های آموزشی متفاوت باعث آشفتگی بسیاری در اهداف کلی علم و پژوهش کشور شده است. برخی از این تفاوت‌ها ناشی از وابستگی یا استقلال مالی از بودجه‌های دولتی و نیز شیوه سنجش و پذیرش است. از این رو، قضاوت کلی در مورد وضعیت فعلی دانشگاه‌های



ایران باید در مورد هریک از بخش‌های آموزش عالی اعم از دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام نور، دانشگاه جامع علمی - کاربردی و دانشگاه‌های غیرانتفاعی جداگانه صورت گیرد. حتی در هریک از این بخش‌ها نیز تنوع نسل‌های دانشگاهی به چشم می‌خورد.

یکی از موانع فکری در ظهور دانشگاه‌های کارآفرین اعتقاد سنتی به تضاد میان علم و ثروت است که با وجود آن نمی‌توان از دانشگاه‌های کشور انتظار کارآفرینی و ثروت‌آفرینی در کنار تولید علم و دانش داشت. از طرف دیگر، ظهور نسل‌های دانشگاهی و به‌طور خاص دانشگاه‌های کارآفرین و کنشگر در دنیا، بر پایه مقتضیات و تحولات و نیازهای جامعه و تغییر گفتمان دانشگاه و اصول علمی و نظری بوده است.

با این حال، در حوزه مدیریت کلان، برای پاسخگویی به تغییرات رخ داده و انطباق با چالش‌ها و شرایط جدید حوزه آموزش عالی، به موضوع دانشگاه نسل سوم توجه شده و تلاش‌هایی برای پاسخگویی به این موضوع انجام شده است. برای نمونه، به استناد مواد ۴۸ و ۲۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر توسعه کارآفرینی تأکید شده و در جهت اشاعه کارآفرینی برای افزایش کارآمدی دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه، آیین‌نامه طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور - که به اختصار، کاراد نامیده می‌شود - تدوین و به دانشگاه‌های کشور ابلاغ شده است (آیین‌نامه طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور، ۱۳۸۵).

در یک قضاوت کلی می‌توان گفت که در مراکز کلان‌شهرها و مناطق برخوردار، برخی دانشگاه‌ها در حال تبدیل شدن به دانشگاه‌های کارآفرین هستند، درحالی‌که در مناطق کم‌برخوردار و شهرهای کوچک عملکرد مراکز دانشگاهی هنوز در دسته‌بندی دانشگاه‌های نسل اول قرار دارد. بنابراین، در کشور ما هنوز اغلب دانشگاه‌ها در نسل دوم و حتی برخی از آنها در نسل اول به سر می‌برند و هنوز نسل سوم دانشگاه‌ها در ایران به طور جدی مطرح نشده است (نصراللهی نیا و رشیدحاجی خواجه لو، ۱۳۹۵).

افق پیش‌رو در چشم‌انداز ۱۴۰۴ و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

در خصوص دانشگاه مطلوب و ویژگی‌های آن، اسناد بالادستی فراوانی وجود دارد که از جمله می‌توان به سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام به صورت عام و سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها به طور خاص اشاره کرد. سند اخیر، مصوبه سال ۱۳۹۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی است که برای اجرا به هفت وزارت‌خانه و نهاد، از جمله دانشگاه آزاد اسلامی ابلاغ شده است. این سند از هر نظر جامع و واضح بوده، محتوای آن همانند یک دست‌نامه و نقشه راه می‌تواند مسیر نیل به دانشگاه اسلامی را تسهیل کند. در سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران چنین آمده است که کشورمان باید در سال ۱۴۰۴ به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) دست یابد. از طرف دیگر، در بیانیه گام دوم انقلاب که به مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد، «علم و پژوهش» نخستین سرفصل توصیه‌های اساسی مقام معظم رهبری را به خود اختصاص داده است که بی‌شک، دانشگاه‌ها مأمور دستیابی به اهداف آن هستند. رهبر فرزانه انقلاب پس از تبیین وضعیت حاکم بر کشور در زمان رژیم ستم‌شاهی، و انقلاب و آغاز نظام جمهوری اسلامی از نقطه صفر و برشماری برکات نظام در طول گام اول چهل‌ساله نظام، از اتکا به توان داخلی به عنوان موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی، اقتصادی و عمرانی نام می‌برد که ثمرات بالنده آن روز به روز فراگیرتر می‌شود. ایشان با اشاره به هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه سوخت هسته‌ای و سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه دیگر از پیشرفت، [همه] را محصول روحیه، حضور و احساس



جمعی می‌دانند که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایشان بیان می‌دارند که ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود و در صنعت به جز مونتاژ و در علم به جز ترجمه هنری نداشت.

ایشان با ترسیم تصویر واقع‌بینانه و روشن از وضعیت علمی و پژوهشی کشور پس از برشماری سایر برکات انقلاب اسلامی، افق پیش روی جامعه در گام دوم انقلاب را ترسیم می‌کنند. یک نکته حائز اهمیت برای جامعه دانشگاهی این است که علم و پژوهش از جایگاه ویژه‌ای در بیانیه دوم انقلاب برخوردار بوده و نخستین سرفصل توصیه‌های اساسی رهبر حکیم و فرزانه انقلاب را به خود اختصاص داده است. ایشان ضمن دوری جستن از امید کاذب و فریبنده، خود و همه را از نومییدی بی‌جا و ترس کاذب برحذر داشته، در بحث علم و پژوهش، دانش را آشکارترین وسیله عزت و قدرت کشور معرفی می‌کنند و روی دیگر دانایی را توانایی می‌دانند. در بخش علم و پژوهش نکات و توصیه‌های زیر قابل تأمل است:

۱. علت سلطه سیاسی و اقتصادی غرب بر جوامع عقب‌مانده برخوردار از دانش و فراهم کردن ثروت، نفوذ و قدرت دو‌یست‌ساله به برکت دانش است؛
۲. توصیه به عدم سوءاستفاده از دانش، همچون آنچه در غرب رخ داد؛
۳. نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌های دانش در میان خود؛
۴. بالاتر بودن استعداد علم و تحقیق در ملت ایران نسبت به متوسط جهانی؛
۵. شروع رستاخیز علمی از دو دهه گذشته با سرعتی غافلگیرکننده (یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان)؛
۶. شگفتی ناظران جهانی از دستیابی ایران به رتبه شانزدهم در میان دو‌یست کشور جهان
۷. دستیابی به رتبه‌های نخستین در برخی رشته‌های حساس و نوپدید در شرایط تحریم مالی و علمی؛
۸. ضربه سخت عقب‌ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگام شروع مسابقه علمی دنیا باعث عقب‌نگه‌داشتن ما از کاروان شتابان علم شد؛
۹. لزوم ادامه داشتن حرکت شتابان علمی تا جبران عقب‌افتادگی از کاروان علمی جهان؛
۱۰. مطالبه عمومی جهاد علمی از جوانان پس از تذکر قاطع و جدی به دانشگاهیان و پژوهندگان.

دانشگاه تراز انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب

با توجه به مباحث مطرح شده در اسناد بالادستی و به طور خاص در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، پرواضح است که دانشگاه تراز انقلاب از دیدگاه نظام اسلامی و رهبر فرزانه آن، دانشگاهی از نسل دانشگاه کنشگر (نسل چهارم) با رویکرد اسلامی است. دانشگاهی که علاوه بر تربیت نیروی جوان متعهد، متخصص و کارآفرین، در عرصه منطقه‌ای نیز توانمندی لازم را برای تأثیرگذاری در سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد. دستیابی به چنین جایگاهی، مستلزم گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه، ایجاد قابلیت‌های علمی و فنی و ایجاد فرهنگ حمایت‌گر از فعالیت‌های کارآفرینانه، هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی و سازمانی است. یکی از ارکان مهم در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و بیانیه گام دوم انقلاب «توسعه‌یافتگی» است. رسیدن به توسعه‌یافتگی نیازمند این است که عوامل ایجاد و بسترهای رشد آن فراهم شود. توسعه کارآفرینی یکی از عوامل مهم در توسعه و رشد اقتصادی کشور محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

آموزش عالی یکی از زیرساخت‌های اساسی توسعه در هر کشور محسوب می‌شود. به همین دلیل، توجه به آموزش عالی و به طور کلی علم و پژوهش همواره یکی از دغدغه‌های مهم تصمیم‌گیران و برنامه‌ریزان کشور بوده است. نگاهی به سیر تاریخی نسل‌های دانشگاهی، نشان‌دهنده آن است که عملکرد دانشگاه‌ها دیگر محدود به عوامل و چارچوب خاصی نیست و عوامل محیطی بیرونی و مسائل متعددی پیش روی دانشگاه‌ها وجود دارند که باعث تغییر در نیازها، انتظارات و کارکردهای آنها می‌شوند. همین نگاه در اسناد بالادستی نظام اسلامی افق پیش روی آموزش عالی کشور را به سمت دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم که دانشگاه‌های کارآفرین و کنشگر هستند، ترسیم می‌کند. در بیانیه گام دوم انقلاب نیز مقام معظم رهبری (مدظله) وظایف و توصیه‌هایی را در حوزه علم و پژوهش برای جامعه دانشگاهی بیان فرمودند که مستلزم حرکت دانشگاه‌های کشور به سمت تبدیل شدن به دانشگاه‌های اسلامی کنشگر نسل چهارم با اهداف تربیتی، آموزشی و پژوهشی توأم با کارآفرینی و نقش تأثیرگذار در برنامه‌های کلان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است.



دانشگاه تراز انقلاب، بیش از آنکه یک نسخه واحد شناخته شده ملی باشد، مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، ویژگی‌ها و عملکردهاست که برآیند آنها هویت دانشگاهی و انقلابی آن را تشکیل می‌دهد. در این میان، توان دانشگاه در تربیت نیروهای مؤمن به انقلاب اسلامی و در عین حال، متخصص و کارآفرین، توان دانشگاه در برآورده کردن نیازهای جامعه و رفع مشکلات و کمبودهای صنعت در مسیر خودکفایی، و جایگاه تثبیت شده دانشگاه در شبکه‌های علم و فناوری جهانی را می‌توان از برجسته‌ترین این ویژگی‌ها قلمداد کرد. در دانشگاه تراز انقلاب، محتوا، رویکرد و جهت فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی هدفمندتر شده، به سمت خروجی‌های جدید مورد انتظار تغییر می‌یابد. به عبارت دیگر، دانشگاه تراز انقلاب دانشگاهی است که علاوه بر رسالت آموزش و پژوهش و تربیت جوانان متعهد و متخصص و نیز کارآفرین، با نقش‌آفرینی در محدوده زیست‌بوم شهری، استانی و ملی، یاریگر مدیران و تصمیم‌گیران نظام اسلامی در نیل به اهداف عالی انقلاب اسلامی باشد. احیا و بازسازی تمدن اسلامی با انقلاب اسلامی در ایران آغاز شد و اینک، انقلاب اسلامی پرچم‌دار آن در جهان است. این امر نیازمند بازتعریف نقش، مأموریت، رسالت و کارکرد دانشگاه است که باید هم در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نقش مهم خویش را ایفا کند و هم بسترساز توسعه و ساخت ابعاد مفهومی تمدن نوین اسلامی برای ارائه در عصر جدید باشد. ارزیابی وضعیت کنونی دانشگاه‌های کشور نشان می‌دهد به‌رغم پیشرفت‌های قابل توجه در آموزش عالی کشور طی چهل سال گذشته، هنوز فاصله زیادی تا دستیابی به دانشگاه‌های تراز انقلاب اسلامی وجود دارد. از طرف دیگر، متناسب با وسعت هر دانشگاه و نزدیکی به مرکز استان، پیشرفت‌هایی در ارتقای هر دانشگاه به نسل بالاتر صورت گرفته است که برای نیل به دانشگاه تراز انقلاب لازم است هم‌زمان با ارتقای دانشگاه و تبدیل آن به دانشگاه کارآفرین و کنشگر، اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی در تربیت دانش‌آموختگانی متعهد و انقلابی نیز مدنظر قرار گیرد.



راهکارها و پیشنهادها

با توجه به مطالعه انجام شده و بررسی سیر تاریخی تحول دانشگاه‌ها و وجود تنوع و درجه‌بندی دانشگاه‌های کشور، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

الف) راهکارهای کلان

- شورای عالی انقلاب فرهنگی، مدیران و تصمیم‌گیران کلان آموزش عالی (اعم از دولتی و غیردولتی) ضمن تبیین معیارهای دانشگاه تراز انقلاب اسلامی و ترسیم افق پیش روی آموزش عالی، سهم هریک از بخش‌های آموزش عالی در دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را مشخص و ابلاغ کنند؛

- تبیین اسناد بالادستی کشور در حوزه علم و پژوهش، از جمله سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سند جامع علمی کشور و آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ذیل این اسناد از قبیل آیین‌نامه طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور (کاراد) و رصد اجرای آن در دانشگاه‌ها؛

- آمایش علمی سرزمین و به‌روزرسانی آن و جلوگیری از موازی‌کاری در برنامه‌ریزی‌های کلان آموزش عالی و ایجاد وحدت رویه در نیل به اهداف کلان نظام اسلامی در عرصه علم و پژوهش؛

- رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و تعیین دوره ارتقای هر رتبه و ابلاغ اهداف قابل حصول در ارتقای هر دانشگاه و نیز تبدیل شدن به دانشگاه‌های کارآفرین و کنشگر در تراز انقلاب اسلامی ذیل اسناد بالادستی حوزه علم و پژوهش.

ب) راهکارهای جزئی

- جذب و انتصاب مدیران نوآور، کارآفرین و جامعه‌محور با رویکرد انقلابی؛

- توسعه چشم‌انداز و راهبردهای دانشگاه کارآفرین؛

- برقراری ارتباط راهبردی با ذی‌نفعان متعدد؛

- جذب و توسعه نیروی انسانی نوآور، کارآفرین با رویکرد انقلابی؛

- استفاده گسترده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی؛

- مدیریت منابع مالی پایدار و متنوع؛



- دستیابی به ساختار پویا؛

- هم راستاسازی آموزش و پژوهش با الزامات آموزشی و پژوهشی دانشگاه کارآفرین؛

- نقش آفرینی در اقتصاد منطقه و کشور؛

- تسریع در ساده‌سازی و کاهش موانع پیش روی کارآفرینان و دانشگاه‌های کارآفرین؛

- حمایت جدی از شرکت‌های دانش بنیان و تجاری‌سازی ایده‌های نوآورانه؛

- به‌روزرسانی و اصلاح سرفصل‌های آموزشی و افزودن دروس و رشته‌های جدید و حذف

دروس و رشته‌های غیرکاربردی مطابق با تحولات و دگرگونی‌های جامعه، صنعت و زیست‌بوم هر دانشگاه.

منابع فارسی

- احمدی دستجردی، داود و محمدحسن قلی‌زاده (۱۳۸۳)، آموزش عالی و گذار به جامعه مبتنی بر دانایی؛ مجموعه مقالات آموزش عالی و توسعه پایدار، تهران: موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- حاجی‌پور، الهام، مریم شمس‌الدینی، و اشکان حسنی کریم‌آباد (۱۳۹۷)، ویژگی‌های محصول دانشگاه تراز انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، نخستین جشنواره تالیفات علمی برتر علوم انسانی اسلامی، جایزه ویژه علامه جعفری (رض).
- ذاکر صاچی، غلامرضا (۱۳۹۶)، «دانشگاه ایرانی و مناقشه هویتی- کارکردی: در جست‌وجوی الگوی گم‌شده»، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، س ۷، بهار و تابستان، ش ۱.
- فراست‌خواه، مقصود (۱۳۸۳)، «دانشگاه در موج سوم: یادگیری برای عبور از بحران»، فصلنامه علم و آینده، س ۳، ش ۹، تابستان.
- مهدی، رضا (۱۳۹۴)، «جایگاه مهارت‌آموزی در دانشگاه‌های نسل سوم»، نشریه مهارت‌آموزی، ۱۴.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۸)، رویکردها و چشم اندازهای نو در آموزش عالی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- غفرانی، پیروز (۱۳۹۶)، «حرکت به سوی دانشگاه‌های نسل چهارم»، مجله مدیریت خدمات بهداشتی- درمانی ایران.

- نامنی، احمد (۱۳۹۸)، «تبیین ویژگی‌های دوره گذار دانشگاه از نسل دوم به نسل سوم»، مطالعه موردی: یکی از دانشگاه‌های فنی - مهندسی کشور، مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۱۲، ش ۱ (پیاپی ۲۲)، بهار و تابستان.

- نجاران طوسی، حامد، مهدی فاتح‌راد، محمدعلی برزنونی، محمدرضا حسنی آهنگر، ابوالفضل محمدی، (۱۳۹۶)، «الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، س ۵۲، ش ۳، پاییز.

- نصراللهی نیا، فاطمه و صالح رشیدحاجی خواجه‌لو (۱۳۹۵). «دانشگاه به سوی هویت‌های جدید»، دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران: مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.

- نعمت‌اللهی، زعیمه، حبیب‌الله رعنائی کردشولی، مسلم علی محمدلو، قاسم سلیمی (۱۳۹۸)، «مروری نظام‌مند بر قابلیت‌های دانشگاه نسل سوم»، مجله مطالعات آموزش و یادگیری، دوره یازدهم، ش ۱، بهار و تابستان.

- ارجاعات به بیانات مقام معظم رهبری (دام‌ظله):

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دانشگاه علم و صنعت، ۸۷/۹/۲۴.

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با فرزندان شاهد، استادان و دانشجویان تربیت مدرس، ۷۰/۶/۱۳.

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی و رؤسای دانشگاه‌های کشور، ۶۹/۰۵/۲۳.

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با استادان دانشگاه‌ها، ۹۳/۴/۱۱.

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار دانشجویان، ۹۲/۵/۶.

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب، ۷۲/۹/۲۴.

- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار تشکل‌های دانشجویی، ۸۵/ ۷/۲۵.



- Blenker, P., Dreisler, P., Færgemann, H. M., & Kjeldsen, J. (2004). Entrepreneurship education and university context. In 14th IntEnt Conference in Naples.
- Clark, B. R. (1998). The entrepreneurial university: Demand and response. *Tertiary Education and management*, 4(1), 5-16.
- Gibbons, M. (Ed.). (1994). *The new production of knowledge: The dynamics of science and research in contemporary societies*. Sage.
- Kirby, D. A. (2004). Entrepreneurship education: can business schools meet the challenge?. *Education+ training*, 46(8/9), 510-519.
- Oliveira, L. (2000). Commodification of science and paradoxes in universities. *Science & Technology Studies*.
- van der Sijde, P., van der Sijde, P. C., Wirsing, B., Cuyvers, R., & Ridder, A. (2002). New concepts for academic entrepreneurship. In *New concepts for academic entrepreneurship. Proceedings of the USE-it! conference 2002, 25-26 April 2002, Bonn, Germany* (pp. 5-11). Twente University Press (TUP).
- Trachtenberg, S. J. (1999, June). The new entrepreneurial university. In *Delivered to a conference of American Association of University Administrators*, June. www.gwu.edu/~gwpres/speeches12.html.

